

تعهد اجتماعی؛ مفهومی جدید در عرصه علوم اجتماعی یا معنایی کهن در تاریخ اندیشه بشری

* فاطمه باقری

** غلامرضا صدیق اورعی

*** علی یوسفی

چکیده

تعریف، مرزبندی و بررسی دقیق مفاهیم، از ضروریات علم است. یکی از مفاهیم مهم در ادبیات جامعه‌شناختی که دچار فقر مفهومی می‌باشد، «تعهد اجتماعی» است. این در حالی است که تعهد اجتماعی، معنایی کهن در اندیشه بشری دارد. یکی از حوزه‌هایی که به این مفهوم پرداخته، «علم اخلاق» است. در این نوشتار با روش مطالعه اسنادی و نقد عقلانی، به بررسی کتاب‌های جامع‌السعادات، معراج‌السعادة و المقامات‌العلیه در علم اخلاق که از کتب اصلی اخلاقی‌اند، پرداخته شده است. در این بررسی، ۵۱ مؤلفه برای تعهد اجتماعی استخراج شد که در نهایت، در ۴ بعد اصلی مقوله‌بندی شده‌اند. این ابعاد بر اساس عمق، دارای ترتیب‌اند. بُعد اول که «خوش‌برخوردی» است، سطحی‌تر از سایر ابعاد است؛ یعنی شخص می‌تواند این بُعد را داشته باشد اما فاقد سایر ابعاد و به تبع آن فاقد تعهد اجتماعی باشد. بُعد دیگر «روراست‌بودن» است؛ یعنی شخص علاوه بر خوش‌برخوردی، باید روراست هم باشد. در بُعد «خیرخواهی» - که سومین بُعد است - شخص علاوه بر

* دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد fbagheri1368@gmail.com

** عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) sedighourae@um.ac.ir

*** عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد yousofi@um.ac.ir

خوش‌برخوردی و روراستی، باید خیرخواه نیز باشد و بالاخره بُعد چهارم که عمیق‌ترین درجه را در خلق تعهد اجتماعی دارا است، «پایداری بر خوبی‌ها» و حفاظت از ارزش‌هاست. اگر کسی این ۴ بُعد را داشته باشد، می‌توان گفت: «متعهد است».

کلیدواژه‌ها

موضع، تعهد اجتماعی، عدم تعهد اجتماعی، ردائل اخلاقی.

بیان مسأله

بررسی جوامع و گروه‌های انسانی از امور مهمی است که در طول زمان، ذهن بشر را به خود مشغول کرده است. در قرن‌های اخیر، بررسی زندگی اجتماعی انسان و تفکر درباره آن، به‌طور نظام‌مند درآمده و ویژگی‌هایی یافته است که به آن دانش جامعه‌شناسی می‌گویند. با اینکه جامعه‌شناسی، دانش جدیدی به‌شمار می‌رود اما شکی نیست که مقدار زیادی از آنچه که در گذشته و حال درباره مسائل اجتماعی نوشته و یا بیان می‌شود و در چارچوب علم جامعه‌شناسی نمی‌گنجد، دارای ویژگی واقع‌نمایی و حتی در بعضی موارد از ویژگی نظام‌مند در تحلیل برخوردار است. به بیان دیگر، علم جامعه‌شناسی بدون تفکر طولانی بشر درباره چگونگی زندگی اجتماعی، شکل نگرفته است.

از سویی دیگر، از آنجایی که مفاهیم، اجزاء ساختمانی نظریه‌ها را تشکیل می‌دهند و در تکامل نظریه‌ها سهم به‌سزایی دارند (Chinn & Kramer, 1999)، تعریف، مرزبندی، تصریح و بررسی دقیق آنها از ضروریات دانش جامعه‌شناسی به‌شمار می‌رود. «برای روشن شدن ابعاد و اجزای تاریک یک مفهوم، ابتدا سعی می‌شود تا به لحاظ نظری، تعریف جامعی از آن ارایه شود، و پس از آن بحث چگونگی سنجش تجربی آن، به‌میان می‌آید» (توسلی و صادقی، ۱۳۸۹: ۹).

در این مقاله، مفهوم تعهد اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. با مرور پیشینه‌ها و دیدگاه صاحب‌نظران و نخبگان در این عرصه، می‌توان ادعا کرد که ادبیات جامعه‌شناختی درباره این مفهوم، دچار فقر مفهومی است. مفهوم تعهد اجتماعی، نه‌تنها دارای ادبیات جامعه‌شناختی گسترده‌ای نیست (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۱)، بلکه در ادبیات جامعه‌شناسی،

این مفهوم به ندرت مطرح می‌شود و در تحقیقات اجتماعی سهم کمتری دارد (توسلی و صادقی، ۱۳۸۹)^۱. به بیان دیگر، در منابع جامعه‌شناختی از مفهوم تعهد اجتماعی، تعریفی دقیق ابعاد و مولفه‌ها و نیز مصادیق مشخص آن ارائه نشده است. البته از نظر برخی، جدید بودن این مسأله در تحقیقات جامعه‌شناسی، عامل این فقر مفهومی است. این در حالی است که با نگاهی به دانش بشری، در می‌یابیم که این مفهوم از گذشته، مورد توجه بسیاری از اندیشمندان علوم دیگر بوده است.

یکی از دانش‌هایی که به این مفهوم پرداخته، «علم اخلاق» است. لذا مسأله نظری این نوشتار، این است که: «تعهد اجتماعی»، مفهومی جدید در عرصه علوم اجتماعی است یا معنایی کهن در تاریخ اندیشه بشری؟

با توجه به هدف اصلی مقاله که «دستیابی به تعریفی دقیق و جامعه‌شناختی از مفهوم تعهد اجتماعی» است، به سراغ علم اخلاق رفته و واقعیت تعهد اجتماعی یا عدم تعهد اجتماعی را در زبان علم اخلاق بررسی کرده و سپس به زبان جامعه‌شناختی تحلیل شده است.

چارچوب مفهومی

از آنجایی که این نوشتار، پژوهشی اکتشافی است، چارچوب نظری و فرضیه ندارد. محقق در صدد تعریف و بررسی مؤلفه‌های عدم تعهد اجتماعی است تا گامی در توصیف و تبیین این مفهوم بردارد. بنابراین از زبان و ذهنیت جامعه‌شناسی بهره گرفته تا با به کارگیری این علم، به تحلیل مفاهیم اساسی وابسته پردازد. چارچوب مفهومی فراهم آمده، دستاورد این ضرورت است. از آنجایی که عدم تعهد اجتماعی از جنس «موضع» است، به مفهوم «موضع» اشاره می‌شود. همچنین با توجه به اینکه موضع تسهیل‌کننده عمل است، به مفهوم «کنش و کنش اجتماعی» پرداخته می‌شود و پس از آن مفهوم «تعامل» نیز توضیح

۱. «بحث اصلی در این جا آن است که نظریه پردازان اعتماد اجتماعی، توجه کانونی خود را بر مفهوم تعهد معطوف نکرده و صحبتی از آنچه در اینجا تعهد تلویحی نامیده شده به میان نیاورده‌اند، محققان نیز در تحقیقات خود توجه چندانی به این مفهوم ننموده‌اند».

داده شده است. در آخر مفهوم اصلی تحقیق که همان «تعهد اجتماعی» است مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

موضع

آدمی در زندگی خود با امور گوناگونی سروکار دارد. او اغلب به این امور به شیوه‌ای ارزیابانه می‌نگرد. به بیان دیگر در او، نسبت به این امور شناخت و احساس پدید می‌آید و با توجه به میزان و نوع شناخت و عاطفه پدیدآمده؛ نوعی آمادگی در او پیدا می‌شود تا به شیوه معینی رفتار کند (Krosnick, Judd, & Wittenbrink, 2005: 3). ترکیب این شناخت‌ها،

احساسات و آمادگی برای عمل^۱ را «موضع»^۲ می‌گویند (Allport, 1935: 798).

برای موضع، تعاریف گوناگونی ارائه شده که معروف‌ترین آن‌ها، توسط آلپورت^۳ در سال ۱۹۳۵ مطرح شده است.^۴ وی موضع را یک نوع آمادگی فکری و احساسی می‌داند که به وسیله تجربه، سازماندهی می‌شود و بر عکس‌العمل‌های انسان نسبت به پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با آن سروکار دارد، تأثیری جهت‌دهنده و پویا می‌گذارد (Allport, 1935: 798). تعریف دیگری که در برخی پژوهش‌ها به کار برده شده، تعریف کمبرت و همکارانش است: «موضع، عبارت است از یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوع‌های اجتماعی یا قدری وسیع‌تر، هرگونه حادثه‌ای در محیط فرد» (کمبرت و همکاران، ۱۹۶۴، به نقل از آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۵). علاوه بر این در بسیاری از منابع، موضع، بر اساس عناصر سازنده آن تعریف شده است (Shelly E., Letitia Anne, & David O., 2006). به‌عنوان مثال فریدمن و همکارانش، موضع، را نظامی بادوام تعریف کرده‌اند که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر عاطفی و یک عنصر آمادگی برای عمل است (فریدمن و همکاران، ۱۹۷۰، به نقل از کریمی، ۱۳۸۵).

۱. در بحث کنش، تفاوت رفتار و عمل مطرح می‌شود و در آنجا مشخص می‌شود که چرا در اینجا می‌گوییم: آمادگی برای عمل و نمی‌گوییم: آمادگی برای رفتار.

2. Attitude

3. Allport

۴. وی معتقد است تعریفی که از موضع ارائه داده، تعریفی کامل و برای تمام دوره‌هاست. البته این تعریف در نیمه دوم قرن بیستم در پژوهش‌های مربوط به موضع بسیار به کار برده شده است (Eagly & Chaiken: 2007).

پس از بررسی تعاریف موضع، به چگونگی پیدایش و شکل‌گیری آن پرداخته می‌شود. موضع، در خلأ شکل نمی‌گیرد بلکه در شکل‌گیری آن عوامل متعددی مانند: باورها، تجربیات، شخصیت، جامعه‌پذیری و محیط، دخیل‌اند (بلاو و نیون، ۱۳۷۷: ۱۲۵). از طرف دیگر همان‌طور که مطرح شد، سه بُعد ادراکی، عاطفی و آمادگی برای عمل نسبت به یک موضوع، موضع شخص را نسبت به آن، تشکیل می‌دهند. این بدان معناست که امکان ندارد که فرد بدون اینکه شناختی - خواه درست یا غلط، چه در خود آگاه یا ناخود آگاه - از یک موضوع داشته باشد، دچار عاطفه‌ای نسبت به آن شود یا آمادگی انجام عملی نسبت به آن را پیدا کند. در واقع بُعد ادراکی موضع، گرچه شرط کافی برای تشکیل آن نمی‌باشد، اما شرطی لازم است و بدون آن، پیدایش موضع غیر ممکن می‌باشد. به علاوه، فرد پس از شناخت یک موضوع، هنگامی که آن موضوع بر روی او اثر می‌گذارد، نسبت به آن عاطفه پیدا می‌کند و در موقعیت‌های مشابه، گرایش و تمایل به انجام عمل خاصی را نسبت به آن کسب می‌کند. تکرار این فرایند، منجر به موضع ثابت شخص نسبت به آن موضوع می‌شود و باعث می‌شود فرد در شرایط و موضوعات مشابه، آسان‌تر و در فاصله‌ای کوتاه‌تر تصمیم به انجام عملی درباره موضوع بگیرد و آن را انجام دهد (صدیق اورعی، ۱۳۹۲). نکته‌ای که در این فرایند قابل توجه است، تأثیر متقابل موضع و عمل است. به این معنا که موضع تسهیل‌کننده عمل است (Wicker, 1969: 65) و عمل، موجب ایجاد و تثبیت موضع می‌شود.

کنش و کنش اجتماعی

از آنجایی که تعریف کنش، منوط به تعریف رفتار می‌باشد، برای تصریح مفهوم کنش، ابتدا به تعریف رفتار و انواع آن به اجمال پرداخته می‌شود. رفتار به طور عام، به معنای آن چیزی است که موجود زنده انجام می‌دهد (Graham, 2010). اما این تعریف، بسیار کلی است. روان‌شناسان، رفتار را پاسخ به محرک در نظر می‌گیرند (Skinner, 1953, p. 59). بنابراین، می‌توان کنش را، آن رفتاری تعریف کرد که دارای معنای ذهنی خاصی باشد

(ویر، ۱۳۸۴: ۲۵). حال، این رفتار معنی‌دار، آن‌گاه که معطوف به دیگری باشد، و رفتار دیگران در معانی ذهنی کنشگر لحاظ شده باشد، کنش اجتماعی است. «دیگران»، می‌توانند تک‌تک افرادی باشند که برای کنشگر شناخته شده‌اند یا مجموعه‌ای از افراد نامشخص یا کاملاً ناشناخته باشد» (ویر، ۱۳۷۸: ۸۰). علاوه بر این کنش اجتماعی ممکن است به مقتضای یک رفتار گذشته، حاضر یا قابل پیش‌بینی دیگری، جهت بگیرد (فروند، ۱۳۸۳: ۹۷).

تعامل

با توجه به تعریف کنش اجتماعی، «تعامل»^۱ عبارت است از کنش اجتماعی دو یا چندسویه (صدیق اورعی، ۱۳۹۲). با در نظر داشتن جنس تعامل که همان کنش اجتماعی است، و همچنین جهت‌گیری مثبت و منفی محتوای کنش اجتماعی (فروند، ۱۳۸۳: ۱۱۸)، می‌توان گفت؛ تعامل نیز می‌تواند دارای جهت‌گیری باشد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. دو یا چند سویه بودن تعامل، به این معناست که کنش یکی از طرفین، از یک سو وابسته به آن چیزی است که گمان می‌کند دیگری از او انتظار دارد و یا کیفر و پاداش‌هایی است که می‌تواند در حق او اعمال کند. از سوی دیگر، کنش دیگری، وابسته به انتظاراتی است که گمان می‌کند از او می‌رود (روشه، ۱۳۹۱: ۱۳۵). به عبارت دیگر در تعامل، نوعی مبادله صورت می‌گیرد. یک مبادله، می‌تواند برابر یا نابرابر باشد. با توجه به مباحث ذکر شده از ترکیب طیف جهت‌دار مثبت-منفی تعامل (تعامل‌های خنثی، سرد و گرم) با تعامل‌های برابر و نابرابر، حداقل شش حالت قابل تصور است: ۱- تعامل خنثی برابر ۲- تعامل خنثی نابرابر ۳- تعامل گرم برابر ۴- تعامل گرم نابرابر ۵- تعامل سرد برابر ۶- تعامل سرد نابرابر، که در زندگی اجتماعی همه این حالات دیده می‌شود (صدیق اورعی، ۱۳۹۲).^۲

1. Interaction

۲. این گونه دسته‌بندی‌ها، در بحث روابط اجتماعی نیز مطرح شده است؛ مانند تقسیم‌بندی روابط مبادله‌ای (exchange relationships) و روابط تعاونی (Communal relationships) که توسط مارگارت کلارک و جادسن میلز مطرح شده است (Clark & Mill, 1979; Mills & Clark, 1982; Clark, 1986). در روابط مبادله‌ای، نگرانی افراد درگیر، آن است که اطمینان یابند نوعی برابری، برقرار است. بدین معنا که در توزیع پاداش‌ها و هزینه‌ها به هر کدام از دو رابطه، انصاف و عدالت رعایت می‌شود. در چنین رابطه‌ای، اگر عدم تعادل عمده روی دهد، هر دو طرف ناشاد می‌شوند. فردی که زیان کرده است، معمولاً احساس خشم یا افسردگی می‌کند و کسی که

تعهد اجتماعی

مفهوم «تعهد اجتماعی»^۱ در معدود مقالات و کتب مرتبط، تعریف شده است، اما این تعاریف، گویای همه مصادیق و مؤلفه‌های تعهد اجتماعی نمی‌باشند و هر کدام تنها به بخشی از تعریف مفهومی آن پرداخته است. در برخی از مقالات، این مفهوم را همانند مفاهیمی چون مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اخلاق مدنی و... دانسته‌اند و تعریف این مفاهیم را برای تعهد اجتماعی اتخاذ کرده‌اند. همان‌طور که در بیان مسئله ذکر شد، «تعهد اجتماعی» در ادبیات جامعه‌شناختی، دچار فقر مفهومی است. در این بخش، به‌عنوان اولین گام برای رسیدن به هدف اصلی مقاله، ابتدا به تحلیل عقلانی، نقد و بررسی تعاریف تعهد اجتماعی که تاکنون مطرح شده‌اند و محقق به آنها دست یافته، پرداخته می‌شود و سپس تعریفی که برآمده از مجموع این تحلیل است ارائه خواهد شد. در بین تعاریف مطروحه، برخی جامع‌تر بودند. همچنین برخی تعاریف دارای هم‌پوشانی زیادی‌اند. در ادامه تعاریفی که جامع‌تر بوده و مؤلفه‌های کامل‌تری را نیز دربر می‌گیرد، ارائه شده است:

۱. رعایت داوطلبانه هنجار؛ ۲. درونی‌شدگی ارزش‌ها؛ ۳. حس وفاداری به جامعه؛ ۴. یکسان‌پنداری خود با دیگران؛ ۵. پذیرش انگیزشی عضویت در جمع؛ ۶. التزام به انجام عمل یا ترک آن.

بحث و گفتگو پیرامون تعاریف بالا بدین صورت است که: تعریف ۱ که به «رعایت داوطلبانه هنجار» اشاره کرده است، دو نکته را مورد توجه قرار داده؛ اولاً اینکه رعایت از جنس کنش است، و ثانیاً این کنش داوطلبانه به انجام می‌رسد. در تعریف ۲ که «درونی‌شدگی ارزش‌ها» می‌باشد، اشاره به حالت و حُلقی دارد که تبدیل به یک عنصر

→ سود برده است، معمولاً احساس گناه می‌کند (Walster, Walster, & Traupmann, 1979; Schafer & Keith, 1980). برعکس، یک رابطه تعاونی، رابطه‌ای است که در آن هیچ‌کدام از دو طرف، حساب‌نگه نمی‌دارند، بلکه هر یک تمایل دارند که در پاسخ به نیاز طرف دیگر، از خود مایه بگذارد و به هنگام نیاز، او نیز به آسانی از همان مزیت برخوردار می‌شود (Clark & Mill, 1979). همچنین تقسیم‌بندی روابط به تأسیسی و تأیسی که توسط ماکس وبر صورت گرفته است (وبر، اقتصاد و جامعه، ۱۳۸۴: ۴۴-۵۳). از آنجایی که رابطه بستر شکل‌گیری تعاملات می‌باشد، با تغییر در جنس رابطه، جنس تعاملات نیز تغییر می‌کند.

1. Social Commitment

شخصیتی شده است. لازم به ذکر است که با توجه به این نکات تعریف ۱، نتیجه تعریف ۲ می‌باشد. در تعریف ۳ که «حس وفاداری به جامعه» را مطرح کرده است، باز هم به یک حالت و حلق اشاره دارد، اما در این تعریف متعلق آن جامعه است؛ یعنی تعلق به یک کلیت وجود دارد. این در حالی است که در تعریف ۲، متعلق، هنجارها و ارزش‌ها در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر تعریف ۲ را می‌توان «حس وفاداری به هنجارها و ارزش‌ها» بیان کرد. تعریف ۴ که به «یکسان‌پنداری خود با دیگران» اشاره دارد، با تعریف ۳، تا حدود زیادی هم‌معنا است. در تعریف ۵ که همان «پذیرش انگیزشی عضویت در جمع» است، به پذیرشی فراتر از پذیرش عقلانی اشاره دارد. این تعریف نیز شبیه به دو تعریف قبل از خود می‌باشد. و در نهایت در تعریف شماره ۶ «التزام به انجام عمل یا ترک آن»، معنای «خود را ملزم کردن» - بدون فشار بیرونی - مطرح شده است. در حقیقت می‌توان گفت این تعریف کامل‌ترین تعریف مطروحه می‌باشد و می‌توان آن را جمع تعاریف ماقبلش دانست. البته در بخش نتیجه‌گیری، تعهد اجتماعی باز تعریف شده و تعریف آن تکمیل می‌شود.

روش تحقیق

مقاله حاضر، یک مطالعه اسنادی^۲ است. در این روش، منابع اصلی مورد استفاده، کتب و مدارکی می‌باشد که از دوره‌های گذشته به جای مانده است^۳ (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۲۶). دقیق‌ترین نوع این گونه تحقیقات، مرور نظام‌مند خواننده می‌شود (آویارد، ۱۳۹۰: ۳۳). مقاله حاضر، از این گونه تحقیقات محسوب می‌شود. برای تصریح این ادعا، به خصوصیات اصلی یک مرور نظام‌مند و مراحل طی شده این تحقیق پرداخته می‌شود:

- مرورگران از یک پیش‌نویس برای اطمینان از شکلی نظام‌مند استفاده می‌کنند و به

۱. البته این تعریف نیز از کتب دینی و اخلاقی استخراج شده است (علامه جعفری تبریزی، ۱۳۸۹).

2. Documentary Studies

۳. «به طور کلی برای تحلیل اسنادها دو گونه تکنیک را می‌توان از هم متمایز ساخت: یکی روش‌های کلاسیک که کم‌وبیش از تحلیل ادبی یا تاریخی مشتق شده‌اند و دیگری، روش‌های تازه‌ای که بر پایه‌های کمی استوارند. روش‌های کلاسیک ژرفانگر هستند. هدف این روش‌ها، تحلیل عمقی اسناد است» (دوورژه، ۱۳۶۲: ۱۰۴-۱۱۱). تحقیق حاضر درصدد بررسی کلاسیک متون مورد نظر می‌باشد. روش‌های کمی بیشتر پهنانگرنند.

یک سؤال از پیش تعریف شده، پاسخ می‌دهند. پرسش اصلی این تحقیق این است که: «تعهد اجتماعی»، مفهومی جدید در عرصه علوم اجتماعی یا معنایی کهن در تاریخ اندیشه بشری است؟ تعریف «تعهد اجتماعی» چیست و مصادیق و مؤلفه‌های آن کدام‌اند؟

- سپس یک راهبرد جست‌وجوی جامع برای دست‌یابی به متون و منابع تدوین می‌گردد. با توجه به پرسش تحقیق، به متن برخی از کتب اصلی اخلاقی - جامع‌السعادات، معراج‌السعادة و المقامات العلیه در علم اخلاق - پرداخته شده است.
- در گام بعدی، مرور گران، معیارهای ورود و خروج را ایجاد می‌کنند تا با استفاده از آنها ارزیابی کنند که کدام یک از اطلاعات باید. در مرور قرار گیرند. در تحقیق حاضر با توجه به موضوع و محتوای کتب مورد نظر، کلیدواژه «عدم تعهد اجتماعی» مدنظر بوده است؛ به این معنا که در هر ردیفه اخلاقی، به معنای ساده مفهوم تعهد اجتماعی^۱ توجه می‌شد و سپس نقض آن مورد توجه قرار می‌گرفت.
- در نهایت، یافته‌های همه منابعی که شناسایی شد، جمع‌آوری شده و با استفاده از یک رویکرد نظام‌مند ترکیب می‌شوند (آویارد، ۱۳۹۰: ۸) در مقاله حاضر نیز پس از استخراج ردائل اخلاقی اجتماعی و معانی دقیق آنها، و همچنین رسیدن به تعریفی ساده از عدم تعهد اجتماعی، مصادیق و تعریف تعهد اجتماعی - با استفاده از اصل نقیض - دسته‌بندی و مطرح شده است.

یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا جدولی که حاوی ردائل مستخرج از منابع و هم‌چنین انتساب مفاهیم مرتبط با این ردائل می‌باشد، تدوین خواهد شد. سپس در جدول دیگری این مفاهیم، مقوله‌بندی می‌شوند. پس از تصریح مقولات، به مقایسه مفاهیم ذکر شده و برقراری ارتباط بین آنها پرداخته خواهد شد. به‌طور کلی، در جداول زیر، دسته‌بندی مفاهیم به شیوه استقرار یافته است. ابتدا به هر جمله یا ردیفه، یک مفهوم نسبت داده شده، سپس این

۱. منظور تعریفی است که در چارچوب مفهومی از علامه جعفری نقل شد.

مفاهیم مقوله‌بندی و به شکل شبکه‌ای از مفاهیم به هم مرتبط، تبدیل شده است.

کدگذاری و انتساب مفاهیم

در جدول زیر، ابتدا نام ردائل اخلاقی ذکر شده در کتب مورد نظر، آورده شده است و در ستون بعد، با توجه به مفهوم اصلی - «عدم تعهد اجتماعی» - نوع ردیله اخلاقی - از حیث اجتماعی - مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین با در نظر داشتن این نکته که ردائل اخلاقی، ضرر قطعی دارند، اغلب ردائل، حقی را که ضایع می‌کنند، مرتبط با جامعه و انسان‌های دیگر است، ظلم به خود فاعل و همچنین کفران نعمت در برابر خداوند نیز هستند، اما در اینجا با توجه به اقتضای تحقیق، محقق در صدد جداسازی ردائل اجتماعی از ردائل شخصی و غیر اجتماعی است. از این رو، ردائلی که حتی فقط یکی از مخاطبانش، انسان‌های دیگر و به گونه‌ای مرتبط با جامعه باشد، عنوان اجتماعی گرفته‌اند. ردائل غیر اجتماعی نیز یعنی ردائلی که حق خود شخص و یا خدا توسط آن ضایع می‌شود.

ردیف	نام ردیله اخلاقی	نوع ردیله اخلاقی	ردیف	نام ردیله اخلاقی	نوع ردیله اخلاقی
۱	جهل مرکب	غیر اجتماعی	۱۰	دنائت نفس	اجتماعی
۲	شک و حیرت	غیر اجتماعی	۱۱	بی‌غیرتی و بی‌حقیقتی	اجتماعی
۳	شرک	غیر اجتماعی	۱۲	عجله و شتاب در افعال و اقوال	اجتماعی
۴	خواطر نفسانیه و وساوس شیطانیه	غیر اجتماعی	۱۳	سوءظن	اجتماعی
۵	مکر و حيله کردن	اجتماعی	۱۴	غضب	اجتماعی
۶	خوف	غیر اجتماعی	۱۵	انتقام	اجتماعی
۷	ایمنی از مکرالله	غیر اجتماعی	۱۶	غلظت و درشتی در گفتار و کردار	اجتماعی
۸	یأس از رحمت خدا	غیر اجتماعی	۱۷	کج‌خلقی	اجتماعی
۹	ضعف نفس	غیر اجتماعی	۱۸	عداوت و دشمنی	اجتماعی

نوع ردیله اخلاقی	نام ردیله اخلاقی	ردیف	نوع ردیله اخلاقی	نام ردیله اخلاقی	ردیف
اجتماعی	قطع رحم	۳۹	غیراجتماعی	عُجب ^۱	۱۹
اجتماعی	عقوق والدین	۴۰	اجتماعی	کبر	۲۰
اجتماعی	عیب‌جویی مردم کردن	۴۱	غیراجتماعی	عصیبت	۲۱
اجتماعی	فاش کردن رازها	۴۲	اجتماعی	کتمان حق و منحرف شدن از آن	۲۲
اجتماعی	نمّامی	۴۳	اجتماعی	قساوت قلب	۲۳
اجتماعی	افساد	۴۴	اجتماعی	محبت دنیای دنیه	۲۴
اجتماعی	شماتت کردن	۴۵	غیراجتماعی	غنا و توانگری	۲۵
اجتماعی	مراء و جدال	۴۶	غیراجتماعی	حرص	۲۶
اجتماعی	سخریه و استهزاء کردن	۴۷	اجتماعی	طمع	۲۷
غیراجتماعی	افراط در مزاح و شوخی	۴۸	اجتماعی	بخل	۲۸
اجتماعی	غیبت	۴۹	اجتماعی	مال حرام خوردن	۲۹
اجتماعی	دروغ گفتن	۵۰	اجتماعی	خیانت و غدر در مال مردم	۳۰
اجتماعی	محبت جاه و شهرت	۵۱	اجتماعی	خوض در باطل	۳۱
اجتماعی	محبت ثنا و مدحت و کراهت از مذمت	۵۲	غیراجتماعی	تکلم به ما لا یعنی و فضول	۳۲
اجتماعی	ریا	۵۳	اجتماعی	حسد	۳۳
اجتماعی	نفاق و دورویی با مردم	۵۴	اجتماعی	اهانت و حقیرنمودن بندگان خدا	۳۴
غیراجتماعی	غرور	۵۵	اجتماعی	ظلم	۳۵
غیراجتماعی	طول امل	۵۶	اجتماعی	ترک اعانت مسلمین	۳۶
غیراجتماعی	اصرار بر معاصی حضرت باری، گناه کاری و عدم پشیمانی از گناهان	۵۷	اجتماعی	کوتاهی و مسامحه در امر به معروف و نهی از منکر	۳۷
غیراجتماعی	فراموشی از اعمال و غفلت از محاسبه آنها	۵۸	اجتماعی	دوری کردن از برادران مؤمن و خشم و قهر کردن	۳۸

۱. در عجب، متفاوت با کبر، پای غیر در میان است.

ردیف	نام رذیله اخلاقی	نوع رذیله اخلاقی	ردیف	نام رذیله اخلاقی	نوع رذیله اخلاقی
۵۹	کراهت از خوبی‌ها	غیراجتماعی	۶۳	کفران نعمت ^۱	غیراجتماعی
۶۰	سخت و انکار و اعتراض بر واردات الهیه و تقدیرات ربّانیه	غیراجتماعی	۶۴	جزع و بی‌تابی	غیراجتماعی
۶۱	حزن	غیراجتماعی	۶۵	فسق	غیراجتماعی
۶۲	بی‌اعتمادی در امور به پروردگار و اطمینان به وسائل و وسائط	غیراجتماعی			

مقوله‌بندی

با توجه به جدول بالا، پس از استخراج ۶۵ رذیله اخلاقی، دسته دوم یعنی رذائل اخلاقی اجتماعی، که ۴۰ رذیله از رذائل اخلاقی بالا می‌باشند، مورد مذاقه قرار گرفته‌اند. پس از جداسازی رذائل اخلاقی در جدول قبل، با توجه به تعاریف و مصادیق رذائل اخلاقی اجتماعی و همچنین تعریف تعهد، نسبت هر یک از رذائل با عدم تعهد اجتماعی مورد مذاقه قرار گرفته است. در جدول ذیل، رذائل اخلاقی اجتماعی‌ای که در فرایند تحقیق استخراج شده بود، از لحاظ ماهیتی، دسته‌بندی شده‌اند. هر دسته، شامل رذائلی می‌باشد که از نظر معنایی و کاربردی شبیه به یکدیگر و در یک مقوله‌اند. در این دسته‌بندی، تلاش بر این بوده است که مقولات کمترین هم‌پوشانی را با یکدیگر داشته باشند. با توجه به جدول بالا، رذائل اخلاقی اجتماعی به دو دسته کلی تقسیم شده‌اند: رذائل اخلاقی اجتماعی که زمینه‌ساز عدم تعهدند و رذائل اخلاقی اجتماعی که خود نوعی از

۱. در اینجا کفران نعمت فقط در برابر خداوند متعال که منشأ تمام نعمت‌ها است در نظر گرفته نشده، بلکه وسائط نعم الهی نیز - مانند انسان‌هایی که وسیله رساندن نعمتی از جانب خدا به دیگری‌اند - مورد توجه قرار گرفته‌اند.

عدم تعهدند^۱. همچنین با دقت در مقوله زمینه‌سازها، خود این مقوله نیز به دو دسته جزئی تقسیم شد؛ زمینه‌سازهای بعید و زمینه‌سازهای قریب. در جدول زیر، به سه مقوله‌نهایی اشاره شده است:

زمینه‌سازهای بعید	عجله در افعال و اقوال - درشتی در گفتار و کردار - ذنات نفس - غضب - محبت دنیای دنیه - محبت جاه و شهرت - محبت ثنا و کراهت از مذمت - غرور - طول امل - کراهت از خوبی‌ها - قساوت قلب	زمینه‌سازهای عدم تعهد اجتماعی
زمینه‌سازهای قریب	کج خلقی - کبر - طمع - بخل - حسد - سوءظن - حقد و عداوت	
رذائلی که خود، نوعی از عدم تعهدند	کفران نعمت - قطع رحم - عقوق والدین - عیب‌جویی مردم‌کردن - فاش کردن رازها - نمامی - فسادکردن میان مردم - شماتت‌کردن - جدل و مراء - سخریه و استهزاءکردن - غیبت - دروغ - نفاق و دوروئی‌کردن - مکر و حيله‌کردن - بی‌غیرتی و بی‌حمیتی - کتمان حق و منحرف‌شدن از آن - مال حرام‌خوردن - خیانت و غدر در مال، آبرو و حرمت کسی - خوض در باطل - اهانت و تحقیرکردن بندگان خدا - ترک اعانت مسلمین - کوتاهی و مسامحه در امر به معروف و نهی از منکر - دوری‌کردن از برادران مؤمن و خشم و قهرکردن	

۱. در این کتاب منظور از آوردن رذائلی به صورت فعل، انجام یک‌بار یا دوباره آن نبوده است. هر چند انجام‌دادن حتی یک‌بار از این رذائل حرام و یا مکروه دینی است، اما چیزی که مد نظر کتاب می‌باشد، استمرار این اعمال است؛ به نحوی که خلقی در فاعل شکل بگیرد. یعنی انجام‌دادن آن عمل، بدون صرف وقت برای تصمیم‌گیری باشد و تبدیل به عادت شده و انجام ندادن آن امری بسیار دشوار با صرف وقت زیادی می‌شود. از این‌رو، بعد از طرح هر رذیله، راه درمان آن را نیز مطرح شده است. انجام عمل، با امتناع از آن از بین می‌رود. اما خلق، بعد از ایجاد، توسط عمل‌های مستمر، احتیاج به درمان دارد.

در این بخش، محقق به دنبال کشف مصادیق و مؤلفه‌های تعهد اجتماعی بوده است. برای دستیابی به این مؤلفه‌ها، ابتدا به مصادیق عدم تعهد اجتماعی پرداخته و سپس بر اساس اصل نقیض، مصادیق تعهد اجتماعی، به دست می‌آیند.

با توجه به مقوله‌بندی ذکر شده، در بخش مقولات زمینه‌ساز، می‌توان گفت؛ این رذائل، تسهیل‌کننده اعمالی می‌شوند که، بی‌تعهدی را ایجاد می‌کنند. و در ادامه نیز خلق بی‌تعهدی، تسهیل‌کننده عمل غیرمتعهدانه می‌شود. این توضیح کلی، بر هر دو دسته از زمینه‌سازها صادق است، اما تفاوت میان این دو دسته آن است که؛ زمینه‌سازهای قریب، خُلق‌هایی‌اند که به محض تجلی، اغلب منجر به اعمالی می‌شوند که ایجادکننده خُلق بی‌تعهدی‌اند. مانند خلق حسد، کبر، بخل و ... در حالی که زمینه‌سازهای بعید، آن دسته از خلق‌ها می‌باشند که اعم از خلق بی‌تعهدی‌اند. این بدان معناست که در این دسته از زمینه‌سازها، واسطه تجلی و بروز اعمالی که ایجادکننده خلق بی‌تعهدی‌اند، بیش از یک واسطه می‌باشد، و البته ممکن است ایجادکننده خلق‌های دیگر نیز باشند. مانند حب دنیا، حب شهرت، دنائت نفس و ...

دسته دیگر رذائل اخلاقی اجتماعی، رذائلی‌اند که خود نوعی از عدم تعهدند. این دسته نیز که از جنس موضع می‌باشد، هم‌سنخ خلق بی‌تعهدی‌اند. یعنی خلق‌هایی که تسهیل‌کننده اعمالی‌اند که آن اعمال، خود، جلوه‌ای از بی‌تعهدی‌اند و هم‌سنخ عمل غیرمتعهدانه می‌باشند. در این دسته از رذائل نیز، تقسیم‌بندی جزئی‌ای به وجود می‌آید. برخی از رذائل این دسته - چنان که ذکر شد - تسهیل‌کننده اعمالی هم‌سنخ اعمال غیرمتعهدانه می‌باشند، در حالی که برخی دیگر، علاوه بر اینکه خود تسهیل‌کننده اعمالی می‌باشند که هم‌سنخ عمل غیرمتعهدانه‌اند، در مرحله دیگر، تسهیل‌کننده عمل خُلف‌وعده نیز می‌شوند. مانند دروغ، تحقیر کردن، استهزاء کردن و ... اگر کسی دروغ گو شده باشد، و موضع مثبتی نسبت به دروغ‌گویی داشته باشد، تعهدی بدهد که بایست پایبندی به آن است، بر اساس خلق دروغ‌گویی، به عهد خود وفا نمی‌کند و آن را با دروغ‌گویی توجیه می‌کند.

پس به‌طور کلی می‌شود چنین نتیجه گرفت که برای ایجاد خلق بی‌تعهدی و به‌تبع آن عمل غیرمتعهدانه، با بررسی و تحلیل رذائل اخلاقی اجتماعی، ۴ حالت ممکن وجود دارد:

۱. اشخاص، دچار خلق‌هایی باشند که متباین با خلق بی‌تعهدی‌اند. مانند: خلق دنائت‌نفس، حب دنیا، حب شهرت و... این خلق‌ها، با واسطه‌های بسیاری عمل غیرمتعهدانه را تسهیل می‌کنند.
۲. اشخاص، دچار خلق‌هایی باشند که به محض تجلی، اغلب منجر به اعمالی می‌شوند که ایجادکننده خلق بی‌تعهدی‌اند. مانند: خلق حسد، بخل، کبر و... .
۳. اشخاص دچار خلق‌هایی باشند که تسهیل‌کننده اعمالی هم‌سنخ عمل غیرمتعهدانه شوند. مانند قطع رحم، کفران نعمت، عقوق والدین و... .
۴. اشخاص دچار خلق‌هایی باشند که علاوه بر هم‌سنخ بودن با خلق بی‌تعهدی، تسهیل‌کننده عمل خلف وعده و غیرمتعهدانه نیز می‌شوند. مانند: خلق دروغ‌گویی، غیبت، استهزاء کردن و... .

با توجه به حالت‌های ایجاد خلق بی‌تعهدی که اجتناب از آنها موجب خلق تعهد می‌شود، مصادیق بی‌تعهدی را نیز می‌توان چنین برشمرد:

همان‌طور که مطرح شد، دسته دوم رذائل که خود نوعی از عدم تعهد می‌باشند، هر کدام تسهیل‌کننده اعمالی‌اند، که مصادیق بی‌تعهدی محسوب می‌شوند؛ یعنی اعمالی که شخص، ملتزم به ترک آنها است و در صورتی که ترک نکند، بی‌تعهدی کرده است. همچنین زمینه‌سازهای قریب که در دسته اول رذائل قرار دارند، در صورت تجلی، مصادیق عدم تعهدند. در مجموع ۳۱ مصداق برای عدم تعهد اجتماعی استخراج شده که در جدول زیر به‌اختصار در مورد هر یک از آنها و همچنین التزام ترک آنها و عمل ضدشان، بحث شده است:

ردیف	مصدق عدم تعهد اجتماعی	توضیح بیشتر	ضد مصداق عدم تعهد اجتماعی
۱	مکر و حيله کردن	پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «هر که با مسلمانی مکر کند، از ما نیست». یعنی هر کس می خواهد عضوی از گروه اسلامی به حساب آید، باید مکر و حيله را - به ویژه نسبت به برادر دینی خود - ترک کند، (التزام به ترک عمل) و در غیر این صورت، عدم تعهد کرده است و پذیرش عضویت او در گروه لغو می شود.	یکرنگی در گفتار و کردار
۲	بی غیرتی و بی حمیتی	از آنجایی که در مصادیق بی غیرتی و بی حمیتی، نگاهبانی از اولاد و ناموس نیز به صراحت ذکر شده است و ناموس و اولاد نیز کنشگر اجتماعی محسوب می شوند، ترک نگاهبانی از آنها، به معنی ترک عملی اجتماعی می باشد که باید انجام بشود.	غیرت و حمیت
۳	سوء ظن	برای توضیح التزام به ترک این عمل، به حدیث امیرمؤمنان <small>علیه السلام</small> بسنده می کنیم: «کار برادر دینی خود را به بهترین وجه و محمل، توجیه و حمل کن تا به قدری که ظن غالب [از بدی او] برای تو پیدا شود و از سخنی که از [دهان] برادرت بیرون آید تا وقتی که می توانی محمل خوبی برای آن بیابی، گمان بد مبر». شایان ذکر است که با توجه به اینکه سوء ظن از زمینه سازهای اعمال غیرمتعهدانه است، با استناد به متن کتاب علم اخلاق اسلامی؛ این رذیله اگر رخ دهد، شیطان فاعل را و می دارد که از مفعول غیبت کند، یا در بزرگداشت و احترام او بی اعتنایی و سستی کند و در ادای حقوق او کوتاهی کند، یا به دیده حقارت به او بنگرد.	حسن ظن و دنبال نکردن هر گمان بدی که از مسلمانی به خاطر شخص بگذرد.

ردیف	مصدق عدم تعهد اجتماعی	توضیح بیشتر	ضد مصداق عدم تعهد اجتماعی
۴	کج خلقی	کج خلقی، همان تنگدلی، ترش روئی و بدزبانی است. یکی از پیامدهای مهم این رذیله، ایجاد دشمنی و تفرقه و به زبان جامعه‌شناختی از بین بردن همبستگی اجتماعی است. این تعاملات سرد، بستر مناسبی برای اعمال غیرمتعهدانه است.	خوش خلقی (نرم خوئی، خوش سخنی و گشاده رویی)
۵	کینه و دشمنی آشکار	کینه‌توزی عداوت باطنی است و در حقیقت بدخواهی پنهانی و نخواستن خیر برای دیگری است. عداوت وقتی چنان نیرومند شود که با وجود آن دیگر نتوان مجامله کرد، آشکارا ظاهر می‌شود. زدن (ضرب)، دشنام گفتن، لعن و طعن غالباً جلوه‌های کینه و دشمنی است. اغلب، کینه ملازم آفاتی است از قبیل: حسد، دوری و بریدن از شخص مورد کینه، ایذاء او، و دست زدن به محرمانی از قبیل: دروغ، غیبت، بهتان، فاش کردن راز، پرده‌داری، اظهار عیب، شماتت، شادی از ظهور لغزش‌های او، استهزاء، اعراض از او در جهت خوارشمردنش، و ادانکردن حقوق او مانند دین یا صله رحم.	نصیحت و خیرخواهی ^۱
۶	تکبر	کبر - یعنی عزیز و بزرگ‌شمردن خود بر دیگران - خلق و خوی باطنی است و تسهیل‌کننده اعمالی است که تکبر نامیده می‌شوند. به عبارت دیگر تکبر، افعال و اقوالی است که باعث حقیر و خوارشمردن دیگری	تواضع و کردارها و گفتارهایی که موجب بزرگداشت و اکرام دیگری باشد.

۱. با شخصی که عداوت دارد همانند دوستان رفتار نماید، با شکفتگی و مهربانی ملاقات کند و برای برآوردن حوائج وی بکوشد، بلکه بیش از دیگران به او نیکی و احسان کند.

ردیف	مصدق عدم تعهد اجتماعی	توضیح بیشتر	ضد مصداق عدم تعهد اجتماعی
		<p>است. مانند: مضایقه داشتن از معاشرت و مصاحبت و همخوارگی با او، امتناع از پهلو نشستن یا رفاقت با او، دور کردن او از خود، انتظار سلام کردن داشتن، توقع ایستادن او پیش وی، استنکاف از قبول پند او، درشتی کردن و سرپیچی در برابر ارشاد و راهنمایی او، پیش افتادن از او در راه رفتن، تقدّم بر او در نشستن، بی‌التفاتی به او و به حقارت با او سخن گفتن.</p>	
۷	کتمان حق و منحرف شدن از آن	<p>انصاف و ایستادن بر حق در هر جامعه‌ای جزو ارزش‌ها محسوب می‌شود و به تبع آن هنجارهای زیادی بر اساس آن ساخته شده است. بنابراین علاوه بر اینکه کتمان حق، خود به نوعی ترک عملی است که اعضا ملتزم به آن‌اند، ملازم با صفات ناپسند دیگری مانند جور و ستم در حکم میان مردم و کتمان شهادت و شهادت دروغ و ناحق و تصدیق باطل گو و تکذیب حق گو و امثال اینها است.</p>	انصاف و ایستادن بر حق
۸	طمع ورزیدن	<p>بنابر اصل مالکیت خصوصی، هر کس صاحب اختیار دارایی و حاصل دست‌رنج خود است. از آنجایی که طمع به معنی داشتن توقع در مال دیگران است، علاوه بر اینکه خود، نوعی عدم تعهد تلویحی محسوب می‌شود، باعث دشمنی و کینه، حسد، کبر، ریا، دروغ، غیبت، تهمت، سخن چینی و دیگر گناهان دل و زبان نیز می‌شود.</p>	بی‌نیازی و گذشتن از آنچه در دست مردم است

ردیف	مصدق عدم تعهد اجتماعی	توضیح بیشتر	ضد مصداق عدم تعهد اجتماعی
۹	بخیل بودن	بخل، عبارت است از خودداری از بذل کردن؛ آنجا که باید بذل کرد ^۱ . به عبارت دیگر، بخل، نوعی اعراض از کنشی است که باید انجام بشود. همچنین این رذیله زمینه ساز اعمال غیرمتهمدانه دیگر نیز است. در حدیثی نبوی چنین آمده است: «از بخل پرهیزید، که پیشینیان شما به سبب بخل هلاک شدند، بخل آنان را به دروغ و ادا کرد. پس دروغ گفتند و به ستم فرمان داد و ستم کردند و به بریدن از خویشاوندان و اداشان کرد و از خویشاوندان بریدند»	سختی (انفاق کردن، ایثار کردن ^۲ ، پرداختن زکات، خمس، صدقه، هدیه دادن، مهمانداری، قرض دادن و...)
۱۰	مال حرام خوردن	در تمام جوامع هرگونه تصرف در اموال دیگران از طریق غیر صحیح و به ناحق، نهی شده است. در اسلام، مالی که از راه مشروع به دست نیامده باشد، مال حرام نامیده می شود. مانند مالی که به ظلم، قهر، غصب، دزدی و خیانت در امانت و مانند اینها گرفته شده، و غش (مکر و تقلب) و تلبیس و رشوه و کم فروشی، و یا به یکی از معاملات فاسد از ربا و صرف (آنچه صراف از تبدیل نقدی به نقد دیگر زیادت ستاند) و احتکار و امثال اینها.	پرهیز و ورع از حرام و کسب درآمدهای حلال
۱۱	خیانت و غدر در مال، آبرو و حرمت کسی	خیانت در آبرو و حرمت کسی، مثل فاش نمودن سزای برادر دینی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. خیانت و غدر در مال نیز مانند: پنهانی مال مردم را خوردن و حبس مال دیگری بدون تنگدستی،	امانت

۱. موارد واجب یا مستحسن بر حسب شرع و مروت و عادت شناخته می شود.

۲. جود و بخشش مال با وجود نیاز و احتیاج به آن

ردیف	مصدق عدم تعهد اجتماعی	توضیح بیشتر	ضد مصداق عدم تعهد اجتماعی
		کم فروشی، غش در معامله، پنهان کردن عیب کالا بر خریدار و فریب و ناراستی است. البته این امر کاملاً بدیهی است که نکوهش تجاوز به حقوق مردم، امری فراگیر است.	
۱۲	خوض در باطل	مراد از خوض (فرورفتن) در باطل، سخن گفتن و حکایت کردن معصیت‌ها و فجور است. مانند: حکایت احوال زنان بدکار، مجالس شراب، رفتار اهل فسق، تکبر و گردن‌کشی پادشاهان، عادات و مراسم زشت و ناپسند، احوال مذموم و ناشایست آنان و امثال اینها. و حکایت بدعت‌ها و مذاهب فاسد نیز داخل در خوض و پاوه‌گویی است؛ زیرا سخن گفتن درباره آنها خوض در باطل و مورد نهی است.	به قدر حاجت از امور مهم دین و دنیا سخن گفتن
۱۳	حسدورزیدن	معیار در حسد این است که آنچه را برای خود نمی‌خواهی، برای دیگری بخواهی و آنچه را برای خود می‌خواهی برای او نخواهی. این در حالی است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «هیچ کس از شما مؤمن نباشد تا آنچه برای خویش می‌خواهد. برای برادر خود نیز بخواهد». حسد، موجب غش و خیانت، عداوت با مؤمن، ترک خیرخواهی، دوستی، بزرگداشت و مراعات او، ترک همراهی و همگامی با پیامبران و اولیاء خدا در خواستن خیر و نعمت برای او و مشارکت با شیطان و حزب وی در شادی از نزول بلاها و مصائب بر او و زوال نعمت از او می‌شود. همچنین حسد، حسود را و می‌دارد که در	آنچه را برای خود می‌خواهی، برای برادر خود نیز بخواهی و آنچه را برای خود نمی‌خواهی و نیز نخواستی.

ردیف	مصدق عدم تعهد اجتماعی	توضیح بیشتر	ضد مصداق عدم تعهد اجتماعی
		گفتار و کردار به آنچه شایسته نیست، پردازد. مانند: غیبت، بهتان و فاش کردن راز و ذکر بدی‌های دیگری.	
۱۴	ایذاء، اهانت و تحقیر نمودن بندگان خدا	در تمام جوامع، آزار رساندن به سایر موجودات زنده به ویژه انسان‌ها نهی شده است. به عبارت دیگر، وقتی انسان‌ها وارد زندگی اجتماعی می‌شوند، به‌طور نفع‌رساندن به مسلمانان (مانند برطرف کردن ترس و اندوه از دیگری و مسرور ساختن او)	
۱۵	ترک اعانت مسلمین	رسول خدا ﷺ فرمودند: «هر که روز آغاز کند و به کار مسلمین، اهتمام نداشته باشد از آنان نیست و هر که بشنود مردی فریاد می‌زند: «مسلمان‌ها به‌دادم برسید و جوابش ندهد، مسلمان نیست». یعنی هر کس بخواهد عضوی از گروه اسلامی به حساب آید، باید به کمک دیگری بشتابد و در غیر این صورت عدم تعهد کرده است و پذیرش عضویت او در گروه باطل می‌شود.	
۱۶	کوتاهی و مسامحه در امر به معروف و نهی از منکر	خداوند در سوره لقمان آیه ۱۷ می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر کن». همچنین پیامبر اسلام درباره پیامد ترک آن می‌فرماید: «البته امر به معروف و نهی از منکر کنید، و گرنه بدان شما بر شما مسلط	

ردیف	مصدق عدم تعهد اجتماعی	توضیح بیشتر	ضد مصداق عدم تعهد اجتماعی
		می شوند...» در وجوب امر به معروف نهی از منکر هیچ اختلافی نیست. آنچه واجب است امر به واجب و نهی از حرام است و اما امر به مستحب و نهی از مکروه مستحب است. گناهان بزرگ، مانند: بدعت در دین، قتل، ظلم، شراب خواری، غناء، نظر به نامحرم، حرام خواری، تصرف در مال وقف، معامله با ظلمه، جهل به اصول دین و احکام واجب، آفات زبان و بسیاری دیگر است که امکان شمارش آنها نیست.	
۱۷	دوری کردن از برادر مؤمن و خشم و قهر کردن	رسول خدا ﷺ فرمودند: «هر دو مسلمانی که از یکدیگر قهر کنند و از هم دوری نمایند و سه روز چنین باشند و با هم صلح نکنند، از اسلام بیرون روند و میان آنها پیوند و دوستی دینی نخواهد بود».	الفت گرفتن و دید و بازدید، سلام کردن، مصافحه و معانقه.
۱۸	قطع رحم	رسول خدا ﷺ فرمودند: «قطع رحم خود مکن اگر چه او از تو قطع کند». مراد از قطع رحم، این است که او را به گفتار یا کردار بیازاری و با او رفتار ناشایست کنی، یا او را نیاز شدید به چیزی باشد و تو علاوه بر قدر حاجت ضروری خود، قدرت بر رفع احتیاج او داشته باشی، از مسکن و لباس و خوراک، و از دادن آن به او امتناع کنی، یا دفع ظلم از او برای تو میسر باشد و نکنی، یا به سبب کینه و حسد از او دوری و کناره کنی و هنگام بیماری عیادتش نکنی و چون از سفر آید، به دیدنش نروی و مانند اینها.	صله رحم ^۱

۱. شریک ساختن رحم و خویشان در مال و جاه و دیگر خیرات دنیا که آدمی به آنها دست می‌یابد.

ردیف	مصدق عدم تعهد اجتماعی	توضیح بیشتر	ضد مصداق عدم تعهد اجتماعی
۱۹	عقوق والدین	عقوق والدین بدترین و شدیدترین انواع قطع رحم است.	نیکی به والدین
۲۰	رعایت نکردن حق همسایه	پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «با همسایگان نیکو همسایگی کن تا مؤمن باشی»	رعایت حق همسایگی ^۱
۲۱	عیب جویی و لغزش یابی	«کنجکاوای [عیوب مردم] مکنید» (حجرات، ۱۲). یعنی قبل از اینکه عیب کسی را ستر کنی، باید خود را از جستن عیب او منع کنی.	عیب پوشی
۲۲	افشای راز	رسول خدا ﷺ فرمودند: «از جمله خیانت این است که راز برادر خود را فاش کنی». همان گونه که در بالا آمد: خیانت، خود نوعی از عدم تعهد است. بنابراین افشای راز نیز عملی غیرمتعهدانه می باشد.	نگهداشتن راز دیگری
۲۳	نمایی	بر هر مسلمانی لازم است که از آنچه از احوال دیگران می داند سکوت کند، مگر وقتی که نقل آن برای مسلمانی سودمند باشد یا از گناهی جلوگیری شود. سخن چین از دروغ و غیبت و مکر و بی وفائی و خیانت و کینه و حسد و دورویی و فساد کردن میان مردم و فریب دور نخواهد ماند.	سکوت درباره آنچه از احوال دیگران می دانیم

۱. مانند: به نیکی رفتار کردن، مضایقه نکردن در آنچه به آن احتیاج دارد، پیشی گرفتن در سلام کردن، پرحرفی نکردن با او، سوال نکردن از احوالی که می خواهد پوشیده باشد، عیادت رفتن به هنگام بیماری و امثال اینها. حتی در مواردی آمده: «اگر خواهد آب را در ناودان وی جاری سازد مانع نشود، از اسباب خانه آنچه خواهد دریغ ندارد و چشم خود را از اهل خانواده او نگاهدارد، و چون در خانه نباشد، از مواظبت خانه او غافل نشود».

ردیف	مصدق عدم تعهد اجتماعی	توضیح بیشتر	ضد مصداق عدم تعهد اجتماعی
۲۴	فساد کردن میان مردم	«مصلح، دروغ گو نیست»؛ یعنی اگر برای اصلاح میان مردم، سخن غیر واقعی بگویند ولی اصلاح به آن بستگی داشته باشد سخن او دروغ به شمار نمی‌رود. این دلیل بر وجوب اصلاح میان مردم است. حال هرگاه نه تنها این واجب ترک شود، بلکه ضد آن، که همان فساد میان مردم است رخ دهد، عدم تعهد صورت گرفته است.	اصلاح میان مردم
۲۵	شتمات کردن	حضرت صادق <small>علیه السلام</small> فرمودند: «در گرفتاری برادر [مسلمان] خود شتمات و اظهار شادی مکن». از طرفی شتمات باعث ایذاء برادر مسلمان می‌شود.	همدردی با دیگری هنگام گرفتاری وی
۲۶	جدل و مرء کردن	با توجه به تعریف مرء و جدال ^۱ ، می‌توان گفت، نوعی ایذاء محسوب می‌شوند. علاوه بر توضیحی که در مورد ایذاء در بالا مطرح شد، حضرت امام صادق <small>علیه السلام</small> درباره پیامد جدل و مرء فرموده‌اند: «هرگز با شخص حلیم مجادله و مرء مکن و نه با سفیهی، که حلیم دشمن تو می‌شود و سفیه به تو آزار می‌رساند».	داشتن گفتار خوش و سخن نیک و مواظبت کردن بر آن.
۲۷	استهزاء و مسخره کردن	استهزاء از ایذاء، تحقیر و آگاهانیدن بر عیوب خالی نیست و اگر این کار در حضور شخص مورد استهزاء نباشد، متضمن غیبت نیز خواهد بود. همچنین در قرآن به صراحت مسخره کردن مورد نهی قرار گرفته است: «هیچ گروهی گروه دیگر را مسخره نکنند...» (حجرات، ۱۱).	-

۱. البته جدال احسن مستثنی از این قاعده است.

ردیف	مصدق عدم تعهد اجتماعی	توضیح بیشتر	ضد مصداق عدم تعهد اجتماعی
۲۸	غیبت کردن	هر چیزی که عیب و نقص غیر را برساند و آنچه وی را ناخوش آید بفهماند غیبت است، خواه به گفتار باشد یا به کردار، یا تصریح یا کنایه یا اشاره، یا رمز و طعنه زدن، یا به نوشتن. خداوند به صراحت بشر را از غیبت کردن منع کرده و می‌فرماید: «کنجکاو می‌کنید، و بعضی پشت سر بعضی بدگوئی نکنند، مگر یکی از شما دوست دارد که گوشت مرده برادرش را بخورد؟ همه این را ناخوش می‌دارید» (حجرات، ۱۲).	مدح و ستایش به جا و دفع مذمت
۲۹	دروغ گفتن	پیامبر ﷺ درباره دروغ می‌فرماید: «خیانتی بزرگ است که به برادرت سخنی گوئی که راستگویی شمارد و تو به او دروغ بگویی». از بدترین انواع کذب: شهادت دروغ و قسم دروغ و خلف وعده است.	راستگویی (صدق در گفتار، گواهی و وفای به عهد)
۳۰	نفاق و درویی کردن	یعنی در حضور دیگری، او را بستاید و اظهار نیک‌خواهی کند و در غیاب او مذمتش کند و با دشنام و سعایت نزد ظالمان و آبروریزی و اتلاف مالش درصدد ایداء او باشد که علاوه بر ایداء، با دروغ همراه است.	یکسان بودن نهان و آشکار انسان
۳۱	کفران نعمت	از آن جایی که شخص نباید در اموال دیگری چشمی داشته باشد، اگر او از سر لطف به وی چیزی بدهد ولو کم‌مقدار و ناچیز، وی نباید ناسپاسی کند. بلکه بهتر است از هبه او قدردانی کند.	سپاسگزاری کردن و قدردانی از نیکی دیگری

در جدول بالا مولفه‌های عدم تعهد اجتماعی مطرح شد. از آنجایی که هدف مقاله، رسیدن به مصادیق و مولفه‌های تعهد اجتماعی است، می‌توان گفت: مصادیق تعهد اجتماعی، علاوه بر التزام به ترک اعمال غیرمتعهدانه، در برخی موارد، عملی ضد آنها نیز می‌باشد^۱. البته در برخی موارد، ترک یک فعل، با انجام ضد آن ملازم است، اما در برخی از مولفه‌ها، زمانی که عملی ترک شود، لزوماً به معنی انجام ضد آن نیست. همچنین عمل ضد برخی مولفه‌ها، یکسان و یا بسیار شبیه به یکدیگر بوده است. با توجه به این نکات، به‌طور کلی می‌توان ۵۱ مولفه را برای تعهد اجتماعی مطرح کرد:

ردیف	مولفه تعهد اجتماعی	ردیف	مولفه تعهد اجتماعی
۱	ترک مکر و حيله کردن	۱۱	تواضع و بزرگ‌داشت و اکرام دیگری
۲	یک‌رنگی در گفتار و کردار	۱۲	انصاف و ایستادن بر حق (ترک کتمان حق و منحرف شدن از آن)
۳	غیرت و حمیت (ترک بی‌غیرتی و بی‌حمیتی)	۱۳	ترک طمع ورزی (بی‌نیازی و گذشتن از آنچه در دست مردم است)
۴	ترک سوءظن و دنبال نکردن هر گمان بدی که از دیگری به خاطر شخص بگذرد.	۱۴	ترک بخل
۵	حُسن ظن	۱۵	سخاوت (انفاق کردن، ایثار کردن، مهمان‌داری، هدیه‌دادن، قرض دادن و...)
۶	ترک کج‌خلقی (ترش‌رویی، بدزبانی و تنگ‌دلی)	۱۶	کسب درآمد حلال (ترک خوردن مال حرام)
۷	خوش‌خلقی (نرم‌خویی، خوش‌سخنی، گشاده‌رویی)	۱۷	امانت‌داری (ترک خیانت و غدر در مال و آبرو و حرمت کسی)
۸	ترک کینه و دشمنی آشکار	۱۸	ترک خوض در باطل
۹	نصیحت و خیرخواهی	۱۹	به قدر حاجت از امور مهم دین و دنیا سخن گفتن
۱۰	ترک تکبر	۲۰	ترک حسدورزی

۱. منظور مصداق‌هایی‌اند که در ستون آخر آمده‌اند.

ردیف	مولفه تعهد اجتماعی	ردیف	مولفه تعهد اجتماعی
۲۱	ترک ایذاء، اهانت و تحقیر دیگری	۳۷	اصلاح میان مردم
۲۲	نفع‌رساندن به دیگری (مانند برطرف کردن ترس و اندوه دیگری و شاد کردن او)	۳۸	ترک شماتت کردن دیگری به هنگام بلا و مصیبت
۲۳	کمک و اعانت به دیگری و رواساختن حوائج و برآوردن مقاصد و مهمات او	۳۹	همدردی با دیگری به هنگام رفتاری و مصیبت
۲۴	سعی و اهتمام در امر به معروف و نهی از منکر	۴۰	ترک مراء و جدل و ستیزه
۲۵	ترک خشم و قهر کردن و دوری‌گزیدن از دیگری	۴۱	داشتن گفتار خوش و سخن نیک و مواظبت کردن بر آن
۲۶	ترک قطع رحم	۴۲	ترک استهزاء و مسخره کردن
۲۷	صله رحم	۴۳	ترک غیبت کردن
۲۸	ترک عقوق والدین	۴۴	مدح و ستایش به جا و دفع مذمت دیگری
۲۹	احترام و نیکی به والدین	۴۵	ترک دروغ گفتن
۳۰	رعایت حق همسایگی	۴۶	راستگویی (صدق در گفتار، صدق در گواهی، صدق در سوگند و فای به عهد)
۳۱	ترک عیب‌جویی و لغزش‌یابی دیگری	۴۷	ترک نفاق و درویی
۳۲	عیب دیگری را پوشاندن	۴۸	یکسان بودن نهان و آشکار در برابر دیگری
۳۳	نگه‌داشتن راز دیگری	۴۹	ترک کفران نعمت
۳۴	ترک نَمّامی	۵۰	سپاس‌گزاری و قدردانی کردن از نیکی دیگری
۳۵	سکوت درباره آنچه از زندگی دیگری می‌دانیم	۵۱	الفت‌گرفتن (دید و بازدید، سلام کردن، مصافحه - دست‌دادن - معانقه - در آغوش کشیدن)
۳۶	ترک فساد میان مردم		

با توجه به جدول بالا و همچنین تعریفی که از تعهد اجتماعی - در قسمت نتیجه گیری - ارائه می شود، این ۵۱ مولفه تعهد اجتماعی را می توان در دو بعد کلی التزام به ترک و التزام به انجام عمل دسته بندی نمود:

ردیف	بُعد التزام به ترک عمل	بُعد التزام به انجام عمل
۱	ترک مکر و حيله کردن	یک رنگی در گفتار و کردار
۲	ترک سوء ظن	غیرت و حمیت
۳	ترک کج خلقی (ترش رویی، بدزبانی و تحسین ظن تنگدلی)	خوش خلقی (نرم خوئی، خوش سخنی، گشاده رویی)
۴	ترک کینه و دشمنی آشکار	نصیحت و خیرخواهی
۵	ترک تکبر	تواضع و بزرگداشت و اکرام دیگری
۶	ترک طمع ورزی	انصاف و ایستادن بر حق
۷	ترک بخل	سخاوت (ایثار کردن، مهمان داری، هدیه دادن، قرض دادن و...)
۸	ترک خوض در باطل	کسب درآمد حلال
۹	ترک حسد ورزی	امانت داری در مال، آبرو و حرمت کسی
۱۰	ترک ایذاء، اهانت و تحقیر دیگری	ترک خشم و قهر کردن و دوری گزیدن از به قدر حاجت از امور مهم دین و دنیا سخن گفتن دیگری
۱۱	ترک خشم و قهر کردن و دوری گزیدن از	نفع رساندن به دیگری (مانند برطرف کردن ترس و اندوه دیگری)
۱۲	ترک قطع رحم	

ردیف	بُعد التزام به ترک عمل	بُعد التزام به انجام عمل
۱۳	ترک عقوق والدین	کمک و اعانت به دیگری و برآوردن مقاصد و مهمات او
۱۴	ترک عیب‌جویی و لغزش‌یابی دیگری	سعی و اهتمام در امر به معروف و نهی از منکر
۱۵	ترک نمایی	الفت گرفتن (دید و بازدید، سلام کردن، مصافحه و معانقه)
۱۶	ترک فساد میان مردم	صله‌رحم
۱۷	ترک شماتت کردن دیگری به هنگام مصیبت	احترام و نیکی به والدین
۱۸	ترک مراء و جدل و ستیزه	رعایت حق همسایگی
۱۹	ترک استهزاء و مسخره کردن	عیب دیگری را پوشاندن
۲۰	ترک غیبت کردن	نگه داشتن راز دیگری
۲۱	ترک دروغ گفتن	سکوت درباره آنچه از زندگی دیگری می‌دانیم
۲۲	ترک نفاق و دورویی	اصلاح میان مردم
۲۳	ترک کفران نعمت	همدردی با دیگری به هنگام گرفتاری و مصیبت
۲۴		داشتن گفتار خوش و سخن نیک و مواظبت کردن بر آن
۲۵		مدح و ستایش به جا و دفع مذمت دیگری
۲۶		راست‌گویی
۲۷		یکسان‌بودن نهان و آشکار در برابر دیگری
۲۸		سپاس‌گزاری و قدردانی کردن از نیکی دیگری

بُعد التزام به ترک عمل که ستون اول جدول است، در واقع، التزام به ترک مصادیق بی‌تعهدی است. از این رو، ستون دوم که بعد التزام به انجام عمل است، بیشتر مورد مذاقه قرار گرفته است. مولفه‌های ذکر شده در این بُعد، در ۴ دسته اصلی مقوله‌بندی شده‌اند:

احترام و نیکی به والدین	۱. خوش برخوردی
الفت گرفتن (دیدوبازدید، سلام کردن، مصافحه و معانقه)	
بزرگداشت و اکرام دیگری	
تواضع	
خوش خلقی (نرم‌خویی، خوش‌سخنی، گشاده‌رویی)	
خوش‌گفتاری و سخن‌نیک و مواظبت کردن بر آن	
سپاس‌گزاری از نیکی دیگری	
ستایش به‌جا و دفع مذمت دیگری	
همدردی با دیگری به هنگام گرفتاری و مصیبت	
راست‌گویی	۲. رو راست بودن
یک‌رنگی در گفتار و کردار	
یکسان‌بودن نهان و آشکار در برابر دیگری	
امانت‌داری در مال، آبرو و حرمت کسی	۳. خیرخواهی
انصاف	
حسن‌ظن	
خیرخواهی و نصیحت	
رعایت حق همسایگی	
سخاوت (ایثار کردن، مهمان‌داری، هدیه‌دادن، قرض‌دادن و...)	
صله رحم	
کمک و اعانت به دیگری و برآوردن مقاصد و مهمات او	

اصلاح میان مردم	۴. پایداری بر خوبی‌ها
ایستادن بر حق	
رازداری	
سعی و اهتمام در امر به معروف و نهی از منکر	
عیب‌پوشی	
غیرت و حمیت	

با توجه به جدول بالا، می‌توان حالات متعددی برای عدم و حضور این ۴ مقوله در نظر گرفت، اما خلق تعهد در حالتی است که هر ۴ مقوله در شخص وجود داشته باشد که در قسمت نتیجه‌گیری بیشتر به آن پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این بخش به جمع‌بندی مباحث بالا پرداخته و همچنین به سوال اصلی تحقیق پاسخ داده خواهد شد؛ به بیان دیگر، تعریف تعهد، مؤلفه‌ها و مصادیق آن، با ایجاد پلی میان علم اخلاق و جامعه‌شناسی، ارائه می‌شود.

در علم اخلاق، تعهد دارای ۴ رکن اصلی می‌باشد (علامه جعفری تبریزی، ۱۳۸۹):

۱. متعهد: کسی است که ملتزم به انجام عملی یا ترک آن می‌شود.

۲. متعهدله: کسی است که التزام درباره او تحقق یافته است.

۳. تعهد: عبارت است از خود التزام که از طرف متعهد تحقق یافته است.

۴. موضوع تعهد: عبارت است از انجام عملی یا ترک آن^۱.

با توجه به ارکان تعهد، می‌توان چنین گفت: تا شخصی از موضوع تعهد، بی‌اطلاع باشد و نسبت به آن شناخت نداشته باشد، تعهدی صورت نخواهد گرفت. همچنین، متعهدله نیز

۱. با توجه به تعریفی که از هنجار در بخش چارچوب مفهومی مطرح شد، اغلب موضوع تعهدات اجتماعی همان هنجارهای اجتماعی می‌باشند.

باید برای متعهد مشخص باشد؛ یعنی، شخصی که می‌خواهد نسبت به چیزی تعهد بدهد، باید موضوع تعهد و متعهدله را بشناسد. در گام بعدی، زمانی که شناخت موضوع تعهد یا متعهدله بر متعهد، اثر بگذارد، در او بار عاطفی ایجاد می‌کند. این بار عاطفی تعهد، همان پذیرش درونی و انگیزشی و وابستگی عاطفی شخصی است که ملتزم به انجام عملی یا ترک آن می‌شود. شخصی که نسبت به موضوع تعهد و متعهدله شناخت پیدا کرده است و همچنین نسبت به آنها و یا یکی از آن دو عاطفه دارد، هنگامی که در موقعیت مقتضی قرار گیرد، کاری را که باید، انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، متعهد در چنین شرایطی است که دارای آمادگی برای عمل می‌باشد.

از سویی همان‌طور که در بخش چارچوب مفهومی مطرح شد، سه بعد ادراکی، عاطفی و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز، موضع شخص را نسبت به آن، تشکیل می‌دهند؛ یعنی، مواضع در خلأ شکل نمی‌گیرند. این بدان معناست که امکان ندارد که فرد بدون اینکه شناختی از یک موضوع داشته باشد، دچار عاطفه‌ای نسبت به آن شود یا آمادگی انجام عملی نسبت به آن را پیدا کند. در واقع بُعد ادراکی موضع، شرطی لازم است و بدون آن، پیدایش موضع غیر ممکن می‌باشد. چنان‌که ذکر شد، فرد پس از شناخت یک موضوع، و اثرگذاری بر روی او به تدریج، نسبت به آن عاطفه پیدا می‌کند و در موقعیت‌های مشابه، تمایل به انجام عمل خاصی را نسبت به آن کسب می‌کند. تکرار این فرایند، موجب می‌شود، موضع شخص نسبت به موضوع تثبیت شود و فرد در شرایط و موضوعات مشابه، آسان‌تر و در فاصله‌ای کوتاه‌تر تصمیم به انجام عملی مشابه بگیرد و آن را انجام دهد. این فرایند پیدایش، در علم اخلاق، فرایند شکل‌گیری «حُلق» نام دارد. بدین صورت که؛ عمل بیرونی، بسیار کمتر و ساده‌تر از عمل درونی انسان است و در اولین بار که حالتی (گرسنگی و میل به سیری) برای انسان پیش می‌آید، تلاش درونی فراوانی انجام می‌گیرد تا مقدمات فعل اختیاری فراهم شود. لذا اگر این عمل برای مرتبه دوم و سوم تکرار گردد، زمانی بسیار کمتر و با آسودگی بیشتر، همه مراحل واسطه‌ای را تصور و رابطه‌های اعتباری را وضع می‌کند و اراده جزم و قوه فعاله وارد عمل می‌گردد. اگر این عمل بسیار تکرار شود، این مراحل به اندازه‌ای سریع انجام می‌گیرد که انسان گمان می‌کند اصولاً واسطه‌ای بین «باید سیر شوم و اعمالی که برای رسیدن به آن، باید انجام داد، وجود ندارد».

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌فرماید:

تکرار عمل، بالاخره به جایی خواهد رسید که صورت عمل درونی همیشه در ادراک و شعور انسان حاضر بوده و با کمترین توجهی، خودنمایی کرده و اثر خود را خواهد بخشید. مانند نفس کشیدن و با چشم نگاه کردن و سخن گفتن برای فهمانیدن مقاصد. این گونه تصدیقات ذهنی وابسته به عواطف را «خلق» می‌نامیم و نیز از این رو، است که گفته‌اند: اخلاق (خلق‌ها)، ملکه‌ها و صورت‌های ثابت (تثبیت شده) نفسانی است که در اثر آنها، عمل مربوطه، به آسانی از انسان سر می‌زند (صدیق اورعی، ۱۳۸۹).

از طرفی می‌دانیم که اخلاق و ملکات هر کس، «چه‌بودن» اوست. پس اخلاق و ملکات هر کس، شخصیت او را می‌سازد. به بیان دیگر، شخصیت، مجموعه سازمان‌یافته‌ای از خلق‌ها است. همچنین در علم روان‌شناسی اجتماعی، شخصیت، مجموعه سازمان‌یافته‌ای از موضع‌ها می‌باشد. بنابراین، طبق قاعده برابری یک طرف در دو گزاره، نتیجه می‌شود: «خلق، همان موضع است» و خلق‌ها، همان مواضعی‌اند که سنگ‌بنای شخصیت انسان‌اند. با توجه به مباحث بالا می‌توان ادعا کرد که تعهد اجتماعی، از جنس خلق و موضع است. یعنی علاوه بر اینکه سه بُعد موضع را دارد، تکرار فرایند شناخت، ایجاد عاطفه و آمادگی برای عمل، ملکه‌ها و صورت‌های تثبیت‌شده‌ای را در متعهد به وجود می‌آورد که در اثر آن، تعهد و یا عدم آن، در زمانی کمتر و با آسودگی بیشتر از او سر بزند، و شخصیت فرد را متعهد و یا غیرمتعهد سازد. در نتیجه به‌طور کلی می‌توان گفت:

«تعهد، عبارت است از موضعی که شخص را به انجام و یا ترک عمل، نسبت به امری، ملتزم کند. حال زمانی که این موضع نسبت به اموری از جنس عناصر فرهنگ و یا منافع اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها، جامعه، ادیان و مانند آنها باشد، تعهد اجتماعی است.»

همچنین ابعاد تعهد اجتماعی که در طی تحقیق استخراج شده‌اند، به ترتیب عبارتند: از بُعد خوش‌برخوردی، روراست‌بودن، خیرخواهی و پایداری به خوبی‌ها. بُعد اول، که خوش‌برخوردی است، سطحی‌تر از سایر ابعاد است؛ یعنی شخص می‌تواند این بُعد را داشته باشد اما فاقد سایر ابعاد و به تبع آن فاقد خلق تعهد اجتماعی باشد. مثلاً

ممکن است کسی دارای بُعد خوش‌برخوردی باشد، اما این صرفاً برای رسیدن به منافع شخصی خود بوده و احساس درونی وی متفاوت از آن باشد. بُعد دوم، روراستی است؛ یعنی شخص علاوه بر خوش‌برخوردی باید روراست هم باشد اما ممکن است خیرخواه و یا پایبند به ارزش‌ها و خوبی‌ها نباشد. بُعد خیرخواهی، که سومین بُعد است، از دو بُعد قبلی عمیق‌تر است؛ یعنی شخص باید علاوه بر خوش‌برخوردی و روراستی، خیرخواه نیز باشد، اما ممکن است پایدار در خوبی‌ها و محافظ از آنها نباشد و بالاخره بُعد چهارم که عمیق‌ترین درجه را در خلق تعهد اجتماعی داراست، همان پایبندی به خوبی‌ها و حفاظت از ارزش‌هاست. اگر کسی این ۴ خُلق را داشته باشد، به‌طور کلی می‌توان گفت: «او متعهد است». شایان ذکر است که برای سنجش مفهوم تعهد اجتماعی، توجه و سنجش ۴ مقوله پایداری در خوبی‌ها، خیرخواهی، روراست‌بودن و خوش‌برخوردی لازم است.

کتابنامه

۱. ارونسون، الویت (۱۳۸۶)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد.
۲. آذربایجانی، مسعود و همکاران (۱۳۸۵)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
۳. آویارد، هلن (۱۳۹۰)، چگونه یک تحقیق مروری انجام دهیم؟، ترجمه: پوریا صرامی فروشانی و فردین علی‌پور گراوند، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۴. بلاو، آن‌ماری و ادیل نیون (۱۳۷۷)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: سیدمحمد داد‌گران، نشر مروارید.
۵. توسلی، غلام‌عباس و احمد صادقی (۱۳۸۹)، «اعتماد و تعهد تلویحی - تحلیل تجربی رابطه اعتماد اجتماعی با مفهوم تعهد تلویحی»، در: پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ش ۴، ۷-۴۳.
۶. جعفری تیریزی، علامه محمدتقی (۱۳۸۹)، حکمت اصول سیاسی اسلام: ترجمه و تفسیر فرمان علی علیه السلام به مالک اشتر، قم: موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمدتقی جعفری.
۷. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
۸. دوورژه، موریس (۱۳۶۲)، روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه: خسرو اسدی، تهران: امیر کبیر.
۹. روشه، گی (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، تهران: سمت.
۱۰. _____ (۱۳۹۱)، تغییرات اجتماعی، مترجم: منوچهر وثوقی، تهران: نشر نی.
۱۱. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۰)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور.
۱۲. صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۱۳. _____ (۱۳۸۳)، درسنامه تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، گروه آموزشی علوم اجتماعی.
۱۴. _____ (۱۳۹۲)، مبانی جامعه‌شناسی (مفاهیم پایه)، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۵. فروند، ژولین (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا.
۱۶. کریمی، یوسف (۱۳۸۵)، روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، تهران: نشر ارسباران.
۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۸. کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، مترجم: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
۱۹. ویر، ماکس (۱۳۸۴)، اقتصاد و جامعه، ترجمه: عباس منوچهری و همکاران، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. یوسفی، علی، فرهودی‌زاده، مرضیه لشکری دربندی و مارینا فرهودی‌زاده (۱۳۹۰)، «فشار هنجار تعهد اجتماعی در ایران»، در: مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۱۷۹-۱۹۲.
21. Chinn, P & ,Kramer, M (1999), *Theory and Nursing: Integrated Knowledge Development* .
22. Clark, M. (1986), Evidence for the effectiveness of manipulations of desire for communal versus exchange relationship. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 425.
23. ———, & Mill, J. (1979), Interpersonal attraction in exchange and communal relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 12-24.
24. Graham, G. (2010), Behaviorism. *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from.
25. <http://plato.stanford.edu/entries/behaviorism/>
26. Mills, J., & Clark, M. (1982), *Exchange and communal relationships*. Beverly Hills.
27. Schafer, R., & Keith, P. (1980), Equity and depression among married couples. *Social Psychology Quarterly*, 430-435.
28. Schiffman, L., & Kanuk, L. (1997), *Consumer Behavior* (6th ed.). London: PracticeHall.
29. Schluchter, W (2003), The Sociology of Law as an Empirical Theory of Validity. *European Sociological Review*, P.537-549.
30. Skinner, B. (1953), *Science And Human Behavior*. United States of America: The Macmillan company.

31. Taylor, S., Peplau, L., & Sears, D. (2003), *Social Psychology* (11th ed.). New Jersey: Pearson Education, Upper Saddle River.
32. Walster, E., Walster, G., & Traupmann, J. (1979), *Equity and premarital sex*. (M. Cook, & G. Wilson, Eds.) New York: Pergamon Press.
33. Wicker, A. (1969), Attitudes versus actions: The relationship of verbal and overt behavioral responses to attitude objects. *Journal of Social Issues*, 41-78.

